

### متن پرسش

با سلام و عرض خدا قوت: دانشگاهم در شهری غیر مذهبی است که خب اعتقادات مذهبی یک در ده هزار نفر، تازه وجود کم‌رنگی پیدا می‌کند. بنده به عنوان کسی که از نوجوانی به دنبال دین و اعتقاداتم بودم برایم این شرایط بسیار پیچیده و سخت شده است. فقط کافی است که هم دانشگاهی هایم متوجه بشوند که بنده انسانی هستم که کمی به مذهب باور دارم، دیگر تمام است. این موضوع را دیده ام که می‌گویم. به شدت حساس هستند که حتی کسی انگشتر هم نداشته باشد! نمازم را در خفا می‌خوانم که بعد به شدت مورد تمسخر و کم محلی قرار نگیرم. شاید گمان می‌کنید دانشگاهم خارج از ایران است ولی نه؛ وضع بسیار بغرنجی برایم پیش آمده. بنده تا به حال کسی را توصیه به چیزی نکرده ام. هیچ کس را. تازه مذهبی بودن یک سمت ماجرا است، اگر متوجه بشوند که من اندکی متمایل به انقلاب و رهبری هستم دیگر اوضاع درست بشو نیست و احتمال برخورد فیزیکی هم هست. شاید گمان کنید که دارم پیاز داغش را زیاد می‌کنم ولی بنده فردی نیستم که خودم را گول بزنم. خلاصه که به رسم تقیه نمازم را در خفا می‌خوانم و خیلی سکولار رفتار می‌کنم. سؤال بنده این است که تکلیفم چیست؟ واقعا خیلی در تگنا هستم. با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال با توجه به شرایط تاریخی که داریم و رویهمرفته مردم و جوانان ما معنای دینداری اصیل را می‌شناسند. از این جهت نباید شخصیت مذهبی خود را در عین وقار و محبت، پنهان کنید حتی با گفتگوهای دوستانه می‌توانید جوانان را متذکر عالم دینی بنمایید و تا مرز دفاع از انقلاب، کمک‌شان کنید. موفق باشید